

طراحی الگوی ارزشیابی برنامه درسی کارآفرینی در دانشگاه‌ها و ارزیابی آن از دیدگاه متخصصان برنامه‌درسی

ندا کمالی^۱

چکیده

ضرورت توجه به ارائه با کیفیت و کاربردی درس کارآفرینی برای دانشجویان رشته آموزش ابتدایی جهت انتقال و توسعه کارآفرینی در نسل بعدی بسیار حائز اهمیت است. هدف تحقیق حاضر طراحی الگوی ارزشیابی درس کارآفرینی در رشته آموزش ابتدایی و ارزیابی آن از دیدگاه متخصصان برنامه‌ریزی درسی و متخصصان کارآفرینی می‌باشد. طرح پژوهش حاضر از نوع آمیخته و کاربردی است که برای اجرای آن از روش زمینه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری این مطالعه را اساتید و متخصصان برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی شاغل در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران تشکیل می‌دهد که از میان آنها ۱۸۲ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. برای اجرای این پژوهش و تحلیل داده‌ها از روش‌های تحلیل متون، آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون خی دو) استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تمامی معیارهای در نظر گرفته شده برای مؤلفه‌های دانش، نگرش و مهارت‌های الگوی ارزشیابی برنامه درسی کارآفرینی بسیار مهم بوده و کارشناسان برنامه درسی و کارآفرینی بر اهمیت آن اتفاق نظر دارند.

واژگان کلیدی: طراحی، ارزشیابی، برنامه درسی، کارآفرینی، رشته آموزش ابتدایی.
پروژه ملی علوم انسانی و مطالعات تربیتی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

امروزه ایجاد آگاهی در همه سطوح آموزش و پرورش برای ارتقاء کار و مهارت جهت سبک زندگی بهتر با هدف نهایی توسعه پایدار ضروری است (آلاچی، ۲۰۱۷). به عبارتی هدف هر یک از فعالیت‌های آموزشی رشد آگاهی و توانایی‌های بالقوه انسان بوده و پیشرفت و توسعه جوامع، سازمان‌ها و موسسات نیز در گرو ارتقای سطح دانش، مهارت، رفتار و بینش انسانی است (مرادی پردنجانی و جعفری، ۱۳۹۲). جوامعی که به منابع انسانی اتکا کرده تا به منابع زیرزمینی، در بلند مدت موفق‌تر بوده‌اند، منابع زیرزمینی در کشورهای جهان سوم علی‌رغم مزیت‌های آن از موانع توسعه یافتگی محسوب شده است، در صورتی که عدم وجود این منابع در بعضی کشورها باعث شده است تا آن‌ها با استفاده از نیروی فکر، خلاقیت و ابتکار و یا در یک کلمه کارآفرینی از جمله کشورهای پیشرو در جهان کنونی شوند (اسمی، ۱۳۹۳). واژه کارآفرینی مانند اکثر واژه‌ها و اصطلاحات حوزه علوم انسانی از تعریف واحد و قابل قبولی در میان اکثر صاحب‌نظران برخوردار نیست. این واژه به رغم کاربرد فراوان آن در علوم روان‌شناسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی و مدیریت هنوز فاقد برداشت مشترکی از مفهوم آن است و نمی‌توان تعریف جامع و مانعی از آن به دست آورد. وجود تفاوت‌ها در تعریف کارآفرینی از سویی نشان‌دهنده گستردگی و اهمیت موضوع است که می‌تواند از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد و از سویی دیگر نشان‌دهنده پویایی موضوع است که زمینه ارائه الگوها و تعاریف زیادی را فراهم می‌کند (آقا محمدی، ۱۳۹۶). اما در مفهومی از کارآفرینی تعداد کمی از محققان این حوزه وجود دارند که این ادعا را به چالش بکشند و آن اینکه کارآفرینی یک فعالیت یا فرآیند انسانی است (لئونباخ؛ ۲۰۲۱) که نیازمند استفاده از انرژی و اشتیاق به منظور ایجاد و اجرای ایده‌های جدید و راه‌های خلاق است (به نقل از عبدالکریم، ۲۰۱۹). بنابراین یک فرایند فعال که یادگیری متفکرانه و فعال را نیز می‌طلبد نه صرفاً گوش دادن به صحبت‌های کارآفرینان درباره موفقیت‌ها و شکست‌هایشان و یا اینکه چگونه یک شغل تجاری سازی شود؟ (وبستر؛ ۲۰۱۷) در تعریفی دیگر کارآفرینی پی‌گیری فرصت‌ها و منابع اقتصادی (سلیس^۷ و همکاران، ۲۰۱۷) برای مقابله با تهدیدات در دنیای رقابتی امروز به شمار می‌رود (تیاگو^۸ و همکاران، ۲۰۱۵). لذا کارآفرینی به عنوان تلاش در جهت افزایش رفاه اقتصادی کشور، به موضوعی اساسی در کشورهای توسعه

1 Alachi

2 Entrepreneurship

3 human activity or process

4 Leunbach

5 Abdelkarim

6 Webster

7 Solís et al.

8 Tiago

یافته و در حال ظهور تبدیل شده است (هندیاتی و همکاران، 2020) و آموزش عالی یکی از مولفه‌های اصلی پیشرفت یک کشور است (آلجمدی ۲، ۲۰۲۰). آموزش عالی به دلیل داشتن ویژگی‌های پایه مانند سرمایه‌ی انسانی در قالب دانشجو و اعضای هیات علمی محل مناسبی برای نوآوری مبتنی بر دانش است. از این رو دانشگاه به عنوان مهم‌ترین مرجع تولید و اشاعه‌ی دانش جدید می‌تواند علم کارآفرینی را تولید کند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶) و دانشجویان را به عنوان نوآوران، اندیشمندان، حرفه شناسان، و حتی مخترعان تربیت و به جامعه عرضه کند. روشن است زمانی دانشگاه می‌تواند به جامعه یاری رساند که بتواند با پیشرفت‌های دانش و تکنولوژی هماهنگ باشد (عسگری، ۱۳۹۱).

یکی از مهم‌ترین عناصر نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها، برنامه درسی است که قلب مراکز دانشگاهی به شمار می‌آیند و آیینة نقش‌ها و اهداف آموزش عالی می‌باشند آموزش کارآفرینی اگرچه می‌تواند با ابزارها و طرق گوناگونی انجام شود، اما عنصر برنامه درسی، مهم‌ترین عنصر آموزش کارآفرینی است (جهانبانی، ۱۳۹۴). بنابر ماهیت بین رشته‌ای بودن کارآفرینی، برنامه درسی کارآفرینی به عنوان یک سکوی پرتاب برای ارتباط دادن بین بسیاری از رشته‌ها و همچنین ارتقاء تفکر بین رشته‌ای ایجاد شد (کازاکویچت و همکاران^۳، ۲۰۱۶). تا قواعد و پیچیدگی علوم را به دانشجویان نشان داده و همان گونه که دانشجویان دارای استعداد، انگیزه و هویت‌های پیچیده اند، این برنامه باید نیازهای متنوع آنها را مرتفع نماید (مرادی پردنجانی و جعفری، ۱۳۹۲). عدم توجه و بازبینی‌های دقیق و مداوم نسبت به برنامه‌های درسی می‌تواند یکی از دلایل عمده نارسایی آموزش در هر جامعه‌ای باشد. به همین دلیل، باید زمینه‌های لازم را برای بررسی و ارائه برنامه‌های پویاتر فراهم نمود تا دانشگاه‌ها بتوانند جایگاه خود را در دنیای حاضر به عنوان مراکز و پایگاه‌های دانش، پژوهش و توسعه حفظ نمایند (اسمی، ۱۳۹۳). ملکی پور و همکارانش در سال (۱۳۹۵) به منظور بهبود برنامه درسی کتاب مبانی آموزش کارآفرینی در دانشگاه تهران به یک مطالعه تطبیقی برنامه درسی کارآفرینی در قلمرو رشته های کارشناسی علوم اجتماعی و رفتاری در دانشگاه تهران با دانشگاه‌های پنسیلوانیا، مرلند، کالیفرنیا و هاروارد پرداخته‌اند که در این پژوهش شباهت‌ها و تفاوت‌های عناصر اصلی برنامه درسی کارآفرینی (اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری و ارزشیابی) در دانشگاه های مذکور بررسی و مقایسه شده است. نتایج این پژوهش نشان داد برنامه درسی کتاب مبانی آموزش کارآفرینی دانشگاه تهران متفاوت از دانشگاه‌های مورد مطالعه است و در دانشگاه‌های پیشرو عناصر برنامه درسی کارآفرینی بر مبنای رویکرد شایستگی محور طراحی شده است، این در صورتی است که در دانشگاه تهران طراحی برنامه درسی بر مدل سنتی و موضوع محور

¹ Handayati et al.

² Alghamdi

³ Kazakeviciute et al.

مبتنی است. در بخش عنصر هدف، برنامه درسی کارآفرینی دانشگاه تهران بر یادگیری در سطح دانش و فهمیدن تأکید دارد. در عنصر محتوا برنامه درسی کارآفرینی دانشگاه تهران همسو با اهداف در پی ایجاد دانش و آشنایی دانشجویان با یکسری مطالب نظری است. در عنصر راهبردهای یاددهی - یادگیری دانشگاه تهران با توجه به مدل سنتی فرصت‌های مناسب برای فعالیت‌های یادگیری کارآفرینی تدارک دیده نشده است و در عنصر ارزشیابی بر روش‌های کمی و آزمون پایان ترم تأکید دارد.

از آنجا که بدون بهبود کیفیت برنامه درسی کارآفرینی، برای یک کشور دشوار است که عملکرد اقتصادی خود را در طولانی مدت بهبود ببخشد (پورسوتاما و همکاران، ۲۰۱۹) باید به ارزشیابی الگوی برنامه درسی مناسب و مطلوب که نقش تعیین کننده و انکارناپذیری در تحقق اهداف و رسالت‌های آموزش عالی از نظر کمی و کیفی دارد پرداخت. در واقع، هدف و رسالت دانشگاه، فقط آموزش مهارت‌های کارآفرینی به دانشجویان نیست، بلکه به ارزیابی صحیح اینکه مهارت‌ها کسب شده اند یا نه هم مربوط می شود، این مهارت‌ها باید با استفاده از روش ارزیابی آموزش صحیح بررسی شوند که قصد دارد نتایج برنامه را ارزیابی کند (مظاهم^۱، ۲۰۲۱) و از آنجا که دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی نیز به عنوان برون داد اصلی دانشگاه، شاه کلید ارزشیابی وضعیت کارایی بهینه آموزش‌های دانشگاهی محسوب می‌شوند (سوختانلو و احمد آباد، ۱۳۹۷).

ارزشیابی برنامه درسی عبارت است از فرایند بررسی ارزش و شایستگی برنامه درسی، بررسی و مطالعه ارزش و شایستگی هم شامل عناصر و جنبه‌های خاص برنامه درسی و هم کل برنامه درسی می‌شود. ارزشیابی بخش مهمی از فرایند آموزش و تجربه یادگیری فراگیران است. به عبارت دیگر روش ارزشیابی از یک سو ابزار یا عامل مهمی در تعیین ثمر بخشی و یا اثر فعالیت‌های انجام شده و شناسایی نتایج، جهت بهبود بخشیدن به فرایند یادگیری و از سویی دیگر برای فراگیران یک تجربه یادگیری و به تعبیر براون^۲ و نایت^۳ قلب تجربه دانشجو محسوب می‌گردد (جهانبانی، ۱۳۹۴). اولین قدم در ارزشیابی، تعریف و درک روشنی از آنچه که کارآفرینی برنامه درسی را تشکیل می دهد، است. دانشجویان به کدام نوع دانش و مهارت نیاز دارند؟ چگونه دانشجویان می توانند شایستگی های خود را نشان دهند؟ چه نگرشی برای دانشجویان در آینده ضروری است؟ دوره ها و برنامه های کارآفرینی توسعه یافته و همچنین روش‌های ارزیابی مورد استفاده در رابطه با این تلاش‌ها کدامند؟ (پورزر^۴، ۲۰۱۶).

1 Purusottama et al.

2 Mozahem

3 Brown

4 Nait

5 Purzer

سیستم ارزیابی تضمین اساسی برای اطمینان از عملکرد کارآمد سیستم ارزیابی کیفیت آموزشی در مدرسه و دانشگاه است. اما سیستم پشتیبانی ناظر مانند سیستم ارزیابی از معلم، سیستم ارزیابی از دانش آموز، سیستم اطلاعات آموزشی، سیستم ارزیابی از محتوای دروس و غیره یا وجود ندارد یا در اجرا ضعیف است. بنابراین این سیستم‌ها نیاز به بازنگری و بهبود بیشتر دارند. همچنین سیستم ارزشیابی در سیستم آموزشی به اهداف توجه می‌کند و ارزیابی فرآیند را نادیده می‌گیرد؛ نتیجه‌گیری از ارزیابی نهایی است و نه توسعه‌ای (وی دونگ^۱، ۲۰۱۹). شریف زاده و عبدالله زاده (۱۳۹۳) در بررسی‌های خود به این موضوع اشاره می‌کنند که با وجود اهمیت کارآفرینی دانشگاهی، بسیاری از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به اطلاعات و سنجش‌های دقیق و معتبر برای پیش و ارزشیابی فعالیت‌های مرتبط با کارآفرینی دانشگاهی دسترسی ندارند. رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود به نام بررسی نقش ارزشیابی در آموزش اثربخش کارآفرینی در نظام آموزش عالی به این نکته اشاره می‌کند که یکی از موضوعاتی که امروزه از جانب بسیاری از ذینفعان آموزش کارآفرینی مورد توجه قرار گرفته است، چگونگی ارزشیابی تاثیر آموزش‌های کارآفرینی است. هم چنین از جمله مواردی که باعث شده از گذشته هم چنان بحث قابل آموزش بودن کارآفرینی ادامه داشته باشد، فقدان شاخص‌های مشخص برای سنجش تاثیر آموزش کارآفرینی بوده است. یکی از چالش‌های ارزشیابی تاثیر آموزش کارآفرینی انتخاب شاخص‌هایی است که مقبولیت عمومی داشته باشد. با این حساب از جمله شاخص‌هایی که می‌توان به عنوان معیاری برای ارزشیابی آموزش کارآفرینی در نظر گرفت می‌توان به این موارد اشاره کرد: شروع کسب و کار توسط دانش‌آموختگان، آگاهی عمومی، علاقه به کارآفرینی، عملکرد کسب و کار، رضایت دانش‌آموختگان، نوآوری، خدمت به اجتماع، انتقال تکنولوژی، نگرش‌ها و نیت انجام کارآفرینی و نمرات امتحانات دانشجویان.

یوسفی و اسفهلان (۱۳۹۶) در پژوهش خود در رابطه با ارزشیابی کارآفرینی معتقدند طی دهه‌ی نود به طور مشخص مفهوم تضمین کیفیت در دانشگاه‌ها مورد تأیید اکثر کشورهای جهان قرار گرفته است و نکته مهم اینکه، متداول‌ترین روش ارزشیابی دانشگاه‌ها و رتبه بندی آنها، روش ارزشیابی درونی می‌باشد. منظور از ارزشیابی درونی، فرآیند تعیین، تهیه و فراهم آوردن داده‌ها و اطلاعات به وسیله اعضای هیئت علمی گروه آموزشی به منظور برنامه ریزی برای بهبود گروه آموزشی است. در طی سالهای اخیر گرایش تمامی کشورها از ارزشیابی درونی توسط اهرم‌های داخلی به سمت اهرم‌های بیرونی و مکانیزم‌های خارجی بوده است. در واقع استفاده از شاخص‌های کمی و کیفی در قالب تقسیم بندی شاخص‌های درون داد، برون داد و فرآیند در یک فرآیند یا نظام تضمین کیفیت معنا می‌یابد. به این ترتیب، در ابتدای امر دانشگاه‌ها صرفاً بر مبنای برخی

¹ Wei Dong

شاخص‌ها مورد اعتبار سنجی قرار گرفته، سپس رتبه بندی می‌شدند. اما با وقوع تغییرات و افزایش بیکاری در بین افراد تحصیل کرده دانشگاهی، دیگر معیارهای سنتی ارزشیابی دانشگاه‌ها نمی‌تواند در این زمینه از کارایی لازم برخوردار باشد. یکی از ابزارهای ارزیابی خارجی دانشگاه‌ها میزان کارآفرین بودن آنهاست. سازمان علمی آموزشی فرهنگی ملل متحد^۱ در چشم انداز جهانی آموزش عالی برای قرن بیست و یکم، دانشگاه نوین را اینگونه توصیف کرده است: جایگاهی که در آن، مهارت‌های کارآفرینی، به منظور تسهیل قابلیت‌های فارغ التحصیلان و برای تبدیل شدن به ایجاد کنندگان کار، توسعه می‌یابد. دانشگاه‌های پویا در قرن بیست و یکم، دانشگاه‌هایی هستند که کارآفرین بوده و بتوانند ارزش‌های تخصصی و مدیریتی را تلفیق نمایند. دانشگاه‌ها باید با تأسیس نهادهای مختلف در سایه همکاری و با ایجاد شبکه‌های ارتباطی از کارآفرینی در دانشگاه‌ها حمایت کنند.

مرادی پردنجانی و جعفری (۱۳۹۲) ضمن پژوهشی به ارزیابی اثربخشی برنامه درسی کارآفرینی در دانشگاه آزاد اسلامی می‌پردازد و درصدد است تا میزان اثربخشی درس کارآفرینی را در ابعاد محتوا، دستیابی به هدف، روش ارزشیابی، توانایی مدرسان، تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌ها و قابلیت‌ها و همچنین آموزش مهارت‌های کارآفرینی از دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشگاه مورد بررسی قرار دهد. که به طور کلی اینگونه نتیجه‌گیری کرد که برنامه درسی کارآفرینی دانشگاه آزاد اسلامی از دیدگاه اساتید و دانشجویان آن دانشگاه و در هفت مولفه ذکر شده به صورت اثربخش عمل کرده است.

حیدری (۱۳۹۲) در پژوهش خود به ارزیابی وضعیت مطلوب و موجود درس کارآفرینی در سطح دانشگاه پرداخت که نتایج تحلیل بخش کمی نشان داد درس کارآفرینی از نظر هدف، محتوا، روش‌های تدریس و روش‌های ارزشیابی نامناسب است و همچنین در بخش استنباطی نتایج نشان داد که باید تاکید بیشتری بر توانایی تدوین طرح کسب و کار و نیز بر افزایش اعتماد به نفس همچنین بر خلاقیت و نوآوری، استفاده از روش عملی و فعال، تغییر شیوه ارزشیابی از نمره به فعالیت‌های عملی و انجام پروژه مرتبط با کارآفرینی گذاشته شود.

پورزر و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیق خود با عنوان ارزیابی از روش‌های ارزشیابی رایج در آموزش کارآفرینی مهندسی معتقدند ارزشیابی کیفیت، یک مولفه اساسی آموزش است که به مربیان این امکان را می‌دهد تا از

¹ UNESCO

یادگیری شاگردان حمایت کرده و برنامه‌های آموزشی را بهبود بخشند. نظرسنجی از خود یا گزارش همتا در زمینه های کسب و کار و تحویل پروژه از ابزارهای اصلی ارزشیابی در این مطالعه بودند.

ونسار و همکارانش^۲ در پژوهشی با عنوان ارزیابی برنامه کارآفرینی در دانشگاه؛ یافتن راه‌های مختلف برای سنجش دوره‌هایی که منجر به کسب تفکر کارآفرینی می‌شود را بسیار مهم می‌دانند و در عین حال معتقدند ارزیابی برنامه آموزشی یک مساله پیچیده است، زیرا این سوال پیش می‌آید که چه چیزی باید اندازه‌گیری شود؟ چه شاخص‌هایی باید استفاده شود؟ و چگونه باید آنها اندازه‌گیری شود؟

اگرچه ارزشیابی فقط یک هدف کلی اساسی دارد (تعیین بها یا ارزش چیزی) ولی نقش‌های آن بسیار است. تعیین ارزش خود برنامه درسی، یکی از نقش‌های بسیار مهم ارزشیابی است. آیا برنامه درسی مقاصدی را که به خاطر آنها الگو پردازی شده است برآورده می‌کند؟ آیا این مقاصد خود راوی دارند؟ آیا برنامه درسی برای گروه معینی از افراد که برایشان مورد استفاده قرار گرفته است مناسب می‌شود؟ آیا الگوهای آموزشی انتخاب شده، نسبت به هدفهای مورد جستجو بهترین انتخاب‌هاست؟ آیا محتوا بهترین انتخاب ممکن است؟ آیا مواد آموزشی که جهت مقاصد آموزشی توصیه شده است، بهترین و مناسب‌ترین مواد آموزشی موجود برای حصول به مقاصد است؟

با توجه به اینکه میزان مطالعات انجام گرفته در زمینه ارزشیابی کارآفرینی، بسیار محدودتر از سایر عناصر برنامه درسی در این حوزه است و با توجه به اینکه برنامه درسی اصولی و مناسب در موفقیت سیستم آموزشی برای ایجاد یک تحول مثبت در جامعه می‌تواند نقش مهمی داشته باشد محقق درصدد است تا به طراحی الگوی ارزشیابی برنامه درسی کارآفرینی بپردازد و با توجه به نظر متخصصان حوزه کارآفرینی و برنامه درسی ارائه نماید تا امکان ارائه پیشنهادهایی به منظور بهبود وضعیت موجود مراکز آموزش عالی فراهم آید.

روش پژوهش

این پژوهش یک مطالعه آمیخته است که در پارادایم عمل‌گرایی قرار دارد و برای پاسخ به مسئله مورد نظر از ترکیبی از رویکردهای کیفی و کمی پژوهش استفاده کرده است. با توجه به اینکه مطالعه حاضر به توسعه دانش و توسعه مدل نظری در خصوص "ارزشیابی درس کارآفرینی" می‌پردازد دارای ویژگی بنیادی بوده و از آنجایی که به ارزیابی الگوی طراحی شده در خصوص ارزشیابی

¹ Self- or peer-report surveys

² Venesaar et al.

برنامه درسی کارآفرینی برای آموزش عالی از دیدگاه اساتید و متخصصان برنامه درسی و کارآفرینی می‌پردازد، از نوع زمینه‌ای و کاربردی است. در این مطالعه ابتدا با مطالعه گسترده ادبیات موضوع و کدگذاری و تحلیل مفاهیم ارزشیابی درس کارآفرینی که در مقالات علمی و کتب مرتبط مورد اشاره قرار گرفته‌اند، نسبت به توسعه الگوی نظری ارزشیابی درس کارآفرینی اقدام شده است و سپس با بهره‌گیری از ابزار سنجش پرسش‌نامه، گردآوری میدانی داده از صاحب نظران حوزه برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی و اجرای آزمون خی دو (آزمون همگونی خی دو)، ارزیابی الگوی نظری توسعه داده شده از دیدگاه متخصصان انجام گرفته است.

جامعه آماری این پژوهش را دو گروه صاحب‌نظران برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی که آخرین مقطع تحصیلی آنان دکتری تخصصی رشته برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی است و هیات علمی تمام‌وقت و یا پاره‌وقت دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی شهر تهران هستند، تشکیل می‌دهند. بر اساس اطلاعات موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۹۸)، در استان تهران ۳۴۹ نفر عضو هیئت علمی تمام‌وقت و پاره‌وقت در رشته‌های برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی وجود دارند که چارچوب نمونه برداری این مطالعه را تشکیل می‌دهند. به منظور تعیین حجم نمونه مناسب از جدول کرجسی و مورگان بهره‌گرفته شده است که با توجه به حجم جامعه آماری، تخمین مناسب حجم نمونه به گونه‌ای که نتایج تحلیل آماری دقیق، قابل اطمینان و تعمیم‌پذیر باشند را ارائه می‌دهد. لذا با توجه به لیست متخصصان که از موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۹۸) دریافت شد، ۱۸۲ نفر از آنها به صورت تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند که از میان آنها ۸۲ نفر متخصص کارآفرینی (۴۵ درصد) و ۱۰۰ نفر متخصص برنامه‌ریزی درسی (۵۵ درصد) هستند. در این پژوهش برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است و داده‌های مورد نظر به صورت مراجعه حضوری و ارسال پرسش‌نامه الکترونیکی از طریق ایمیل گردآوری شده‌اند. ابزار سنجش این پژوهش (پرسش‌نامه) از سوالات مربوط به خصوصیات جمعیت‌شناختی و

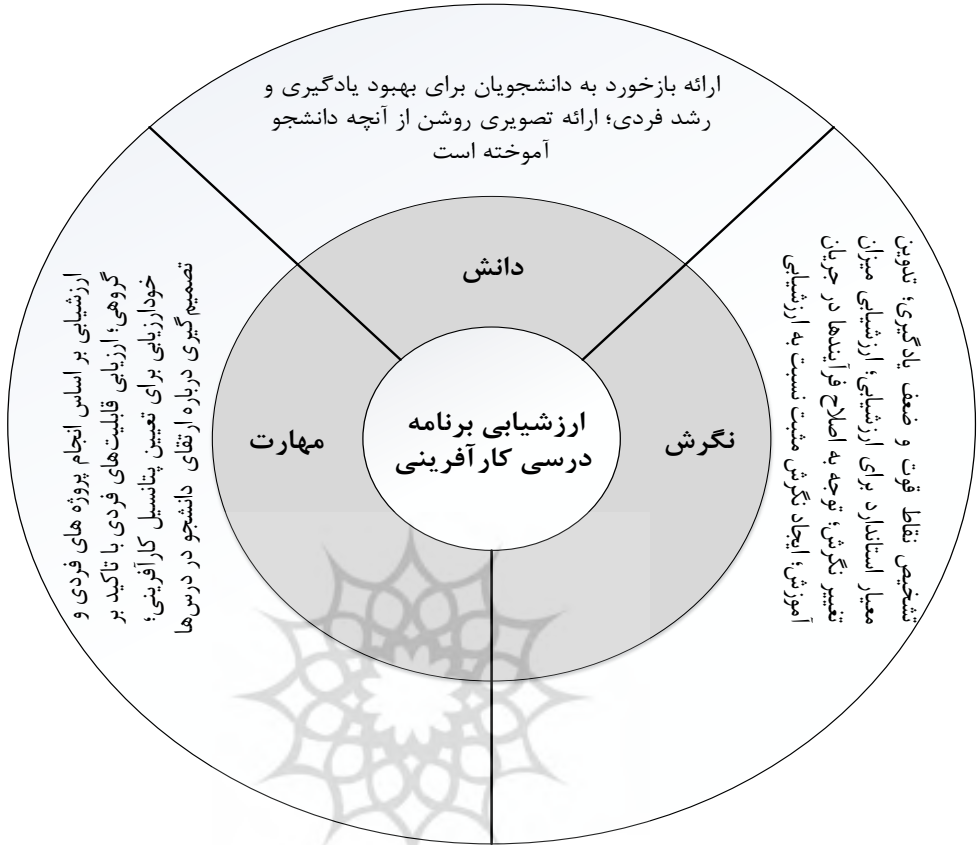
گویه‌های مربوط به مولفه‌های الگوی ارزشیابی برنامه درسی کارآفرینی تشکیل شده است. در ابتدا به منظور اطمینان از روایی ابزار سنجش (پرسش‌نامه) از نظر متخصصان بهره‌گرفته شد به این صورت که با توجه به نظرات ۹ متخصص حوزه برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی، اصلاحات لازم بر روی ابزار سنجش صورت گرفت و در نهایت روایی پرسش‌نامه تایید شد. سپس برای اطمینان از پایایی ابزار سنجش و سازگاری درونی سنجه‌های به‌کارگرفته شده در پرسش‌نامه، آزمون ضریب آلفای کرونباخ مورد توجه قرار گرفت. نتایج این تحلیل حاکی از این است ضریب آلفای کرونباخ برای مجموع گویه‌های پرسش‌نامه ۰/۹۰۱ است که از حد مطلوب ۰/۷ بسیار بالاتر است و لذا ابزار سنجش این مطالعه از پایایی و سازگاری درونی بسیار مطلوبی برخوردار است. در گام پایایی به منظور ارزیابی الگوی نظری توسعه داده شده بر اساس دیدگاه متخصصان، با استفاده از آزمون همگونی خی دو، دیدگاه متخصصان حوزه برنامه‌ریزی درسی با دیدگاه متخصصان حوزه کارآفرینی در مورد هریک از مولفه‌های الگوی نظری ارزشیابی برنامه درسی کارآفرینی مورد مقایسه قرار گرفته است.

یافته ها

در این پژوهش ابتدا با اتخاذ رویکرد کیفی نسبت به تحلیل و کدگذاری مفاهیم مربوط به ارزشیابی درس کارآفرینی در آموزش عالی که در مقالات علمی و کتب مرتبط به آنها پرداخته شده بود، اقدام شده است و با توجه به کدها و مفاهیم استخراج شده، الگویی نظری در زمینه ارزشیابی برنامه درسی ارائه شده است. این الگوی نظری دارای سه مولفه دانش، نگرش و مهارت است. در خصوص دانش، این الگو بیان می‌کند که ارائه بازخورد به دانشجویان برای بهبود یادگیری و رشد فردی ضروری است چراکه موجب خودپنداره مثبت در دانشجویان و موجب خودسنجی مستمر در تمام فعالیت‌های آنها می‌شود. همچنین ارائه تصویری روشن از آنچه دانشجو آموخته بسیار حائز اهمیت است زیرا در مسیر یادگیری موثر معرفت کارآفرینی نقش تعیین کننده دارد. در خصوص مولفه نگرش، این الگو

بیان می‌کند که می‌بایست به تشخیص نقاط قوت و ضعف یادگیری دانشجویان پرداخت چراکه موجب می‌شود آنها نسبت به رفع نقاط ضعف خود اقدام کرده و به طور مستمر نقاط قوت خود را تقویت کنند. در این زمینه، تدوین معیار استاندارد برای ارزشیابی پیامدهای برنامه آموزش کارآفرینی ضروری است زیرا از انحراف از اهداف اصلی ارزشیابی جلوگیری می‌کند. همچنین در این خصوص می‌بایست به ارزشیابی میزان تغییر نگرش دانشجویان پرداخت چون هدف اصلی ارزشیابی درس کارآفرینی درونی‌سازی معرفت کارآفرینی و تبدیل آن به یک هویت و سبک زندگی است. به علاوه، توجه به اصلاح فرآیندها و شیوه‌های عمل در جریان آموزش لازم است زیرا از سبک سنتی آموزش و نظری بودن صرف آن جلوگیری کرده و جنبه کاربردی بودن معرفت کارآفرینی را تسهیل می‌کند. همچنین، باید ایجاد نگرش مثبت نسبت به ارزشیابی نتایج عملکرد حاصل از اجرای آموزش مدنظر قرار گیرد چراکه موجب تقویت خودانگاره مثبت نسبت به نقش موثر کارآفرینی در زندگی آتی آنها می‌شود. در پایان، در خصوص مولفه مهارت، الگوی ارائه شده بیان می‌کند که ارزشیابی بر اساس انجام پروژه‌های فردی و گروهی ضروری است زیرا تقویت مهارت‌های بین فردی را در پی دارد و موجب یادگیری موثرتر می‌شود. همچنین ارزیابی قابلیت‌های فردی با تاکید بر خودارزیابی برای تعیین پتانسیل کارآفرینی لازم است زیرا خودارزیابی، یک مولفه موثر در جهت شناخت عناصر کارآفرینی در وجود افراد است. به علاوه در زمینه ارزشیابی درس کارآفرینی می‌بایست درباره ارتقای دانشجو در درس کارآفرینی تصمیم‌گیری کرد تا مشخص شود آیا برنامه درسی کارآفرینی مورد نظر نیاز به بهبود و اصلاح دارد یا خیر. الگوی نظری ارزشیابی برنامه درسی کارآفرینی ارائه شده را میتوان در شکل ۱ ملاحظه کرد.

شکل ۱. الگوی ارزشیابی برنامه درسی کارآفرینی



انجام آزمون همگونی خی دو و مقایسه نظرات متخصصان برنامه ریزی درسی و متخصصان کارآفرینی در خصوص هریک از مولفه های الگوی طراحی شده برای ارزشیابی درس کارآفرینی حاکی از این است که تمامی شاخصه های در نظر گرفته شده برای مولفه های دانش، نگرش و مهارت الگوی ارزشیابی برنامه ریزی درسی کارآفرینی دارای اهمیت بسیار بالایی هستند و متخصصان برنامه ریزی درسی و کارآفرینی در خصوص اهمیت آنها اتفاق نظر دارند. نتایج آزمون همگونی خی دو برای مقایسه نظرات متخصصان برنامه ریزی درسی و کارآفرینی در خصوص مولفه دانش در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد نظر متخصصان برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی درباره مولفه دانش ارزشیابی برنامه درسی کارآفرینی

گروه‌ها	شاخص‌ها		متوسط		زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
برنامه‌ریزی درسی	۱	۱	۱۶	۱۶	۸۳	۸۳
کارآفرینی	۲	۲/۵	۱۳	۱۵/۹	۶۷	۸۱/۶
کل	۳	۱/۷	۲۹	۱۶	۱۵۰	۸۲/۳
شاخص‌های آماری خی دو = ۰/۵۷۶ درجه آزادی = ۲ سطح معناداری = ۰/۷۵۰						

همانطورکه در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بیش از ۸۲ درصد متخصصان برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی معتقداند شاخص‌های در نظر گرفته شده برای مولفه دانش الگوی ارزشیابی برنامه درسی کارآفرینی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار هستند و برای موفقیت در زمینه ارزشیابی برنامه درسی کارآفرینی بسیار مناسب‌اند. در حقیقت نتیجه آزمون همگونی خی دو نشان‌دهنده این است که دیدگاه متخصصان برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی در خصوص مولفه دانش الگوی ارزشیابی طراحی شده یکسان است و میان نظرات این متخصصان در خصوص اهمیت بالا و مناسب بودن شاخصه‌های تعیین شده تفاوت آماری معناداری وجود ندارد. مقایسه نظرات متخصصان برنامه‌ریزی درسی و متخصصان کارآفرینی در خصوص مولفه نگرش الگوی ارزشیابی برنامه‌ریزی درسی کارآفرینی در قالب جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد نظر متخصصان برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی درباره مولفه نگرش ارزشیابی برنامه درسی کارآفرینی

گروه‌ها	شاخص‌ها		متوسط		زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
برنامه‌ریزی درسی	۱	۱	۱۱	۱۱	۸۸	۸۸
کارآفرینی	۱	۱/۳	۱۰	۱۲/۲	۷۱	۸۶/۵
کل	۲	۱/۱	۲۱	۱۱/۶	۱۵۹	۸۷/۳
شاخص‌های آماری خی دو = ۰/۰۸۶ درجه آزادی = ۲ سطح معناداری = ۰/۹۵۸						

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بیش از ۸۷ درصد متخصصان برنامه‌ریزی درسی و متخصصان کارآفرینی براین عقیده‌اند که شاخصه‌های در نظر گرفته شده برای مولفه نگرش الگوی ارزشیابی برنامه‌ریزی درسی کارآفرینی از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند و منجر به موفقیت الگوی طراحی شده می‌شوند. در حقیقت آزمون همگونی خبی دو انجام شده نشان می‌دهد میان نظرات متخصصان برنامه‌ریزی درسی و متخصصان کارآفرینی در مورد اهمیت بالای مولفه نگرش الگوی ارزشیابی طراحی شده تفاوت آماری معناداری وجود ندارد و آنها در مورد مناسب بودن شاخصه‌های تعیین شده اتفاق نظر دارند. مقایسه نظرات متخصصان برنامه‌ریزی درسی و متخصصان کارآفرینی در خصوص مولفه مهارت الگوی ارزشیابی برنامه‌ریزی درسی کارآفرینی در قالب جدول ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد نظر متخصصان برنامه‌ریزی درسی و کارآفرینی درباره مولفه مهارت ارزشیابی

برنامه درسی کارآفرینی

شاخص‌ها	کم	متوسط		زیاد	گروه‌ها
		فراوانی	درصد		
برنامه‌ریزی درسی	۲	۲	۱۳	۱۳	۸۵
کارآفرینی	۲	۲/۵	۱۴	۱۷/۱	۸۰/۴
کل	۴	۲/۲	۲۷	۱۴/۸	۸۳

شاخص‌های آماری خبی دو = ۰/۶۵۴ درجه آزادی = ۲ سطح معناداری = ۰/۷۲۱

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ۸۳ درصد متخصصان برنامه‌ریزی درسی و متخصصان کارآفرینی معتقداند که شاخصه‌های در نظر گرفته شده برای مولفه مهارت الگوی ارزشیابی برنامه‌ریزی درسی کارآفرینی از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند و موفقیت الگوی طراحی شده را تضمین می‌کنند. به بیان دیگر، نتایج آزمون همگونی خبی دو نشان می‌دهد میان نظرات متخصصان برنامه‌ریزی

درسی و متخصصان کارآفرینی در خصوص اهمیت بالای مولفه مهارت الگوی ارزشیابی طراحی شده تفاوت آماری معناداری وجود ندارد و متخصصان در مورد مناسب بودن شاخصه‌های تعیین شده برای مولفه مهارت الگوی ارزشیابی اتفاق نظر دارند. در مجموع، نظر متخصصان برنامه‌ریزی درسی و متخصصان کارآفرینی تاییدکننده الگوی ارزشیابی برنامه‌ریزی درسی کارآفرینی طراحی شده برای رشته آموزش ابتدایی است. در واقع از حیث دانش، یک الگوی ارزشیابی موفق درخصوص برنامه‌ریزی درسی کارآفرینی می‌بایست به صورت مستمر به دانشجویان بازخورد داده تا موجب یادگیری آنها شده و رشد فردی آنها را ارتقا دهد و تصویر روشنی از آنچه دانشجویان آموخته است را ارائه کند. از حیث نگرش، الگوی ارزشیابی موردنظر می‌بایست معیارهایی استاندارد برای ارزشیابی ارائه کند و موجب تشخیص نقاط قوت و ضعف یادگیری دانشجویان شود. درحقیقت یک الگوی ارزشیابی موفق در زمینه برنامه‌ریزی درسی کارآفرینی می‌بایست منجر تغییر نگرش دانشجویان شده و دیدگاه مثبتی را در خصوص ارزشیابی در دانشجویان ایجاد کند. همچنین از حیث مهارت، الگوی ارزشیابی مورد نظر باید مهارت‌های فرد را از حیث انجام پروژه‌های فردی و گروهی ارزیابی کرده و برای تعیین پتانسیل کارآفرینی، قابلیت‌های فردی با تاکید بر خودارزیابی را مدنظر قرار دهد.

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق با مطالعه مبانی نظری مشخص گردید که ما در دوره‌ای از مشکلات بی‌سابقه‌ی اجتماعی، اقتصادی، فناوری و زیست محیطی زندگی می‌کنیم و نیاز به بهبود و تغییر شرایط در مقیاس جهانی داریم. از آنجا که آموزش عالی به عنوان یک عنصر اساسی در روند توسعه و پیشرفت ملی مورد پذیرش است، می‌تواند نقش مهمی از طریق برنامه درسی در موفقیت سیستم آموزشی برای ایجاد یک تحول مثبت در جامعه داشته باشد. در واقع برنامه درسی به عنوان قلب مراکز دانشگاهی در توفیق یا شکست این مراکز نقش کلیدی و تعیین کننده‌ای دارد بر این اساس برنامه

درسی نشان دهنده میزان پیشرفت و پاسخگو بودن دانشگاه‌ها به نیازهای در حال تغییر جامعه هستند (حیدری تراک، ۱۳۹۲)

عدم توجه و بازبینی‌های دقیق و مداوم نسبت به برنامه‌های درسی می‌تواند یکی از دلایل عمده نارسایی آموزش در هر جامعه‌ای باشد. به همین دلیل، باید زمینه‌های لازم را برای بررسی و ارائه برنامه‌های پویاتر فراهم نمود تا دانشگاه‌ها بتوانند جایگاه خود را در دنیای حاضر به عنوان مراکز و پایگاه‌های دانش، پژوهش و توسعه حفظ نمایند (اسمی، ۱۳۹۳). یکی از مهمترین و حساس‌ترین مولفه‌های برنامه درسی که از طریق آن می‌توان کارایی و اثربخشی برنامه را افزایش داد و نظامی برای بهبود مستمر برنامه‌های آموزش عالی طراحی نمود مولفه ارزشیابی است. با ارزشیابی و کنترل کیفیت، تضمین مهمی برای خود مدیریتی^۱، انضباط شخصی^۲ و خودسازی^۳ افراد در دانشگاه اتفاق می‌افتد (وی دونگ، ۲۰۱۹).

اغلب تحقیقات و مطالعات نظری انجام شده نشان داد علیرغم اهمیت برنامه‌درسی اطلاعات و سنجه‌های دقیق و معتبر برای پایش و ارزشیابی برنامه درسی کارآفرینی در دانشگاه‌ها یا وجود ندارد یا در اجرا ضعیف است. همچنین میزان مطالعات انجام گرفته در زمینه ارزشیابی کارآفرینی بسیار محدودتر از سایر عناصر برنامه درسی در این حوزه است. لیکن می‌توان گفت روش‌های ارزشیابی مناسب در الگوی برنامه درسی کارآفرینی باید با توجه به سه مولفه دانش، نگرش و توانش مطرح شوند.

بر اساس نتایج حاضر در این پژوهش، روش‌های ارزشیابی مناسب در الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای دانشجویان رشته آموزش ابتدایی با توجه به سه مولفه دانش شامل ارائه بازخورد به دانشجویان برای بهبود یادگیری و رشد فردی، ارائه تصویری روشن از آنچه دانشجو آموخته است. بر اساس

¹ self-management

² self-discipline

³ self- development

مولفه نگرش شامل تشخیص نقاط قوت و ضعف یادگیری دانشجویان، تدوین معیار استاندارد برای ارزشیابی پیامدهای برنامه آموزش کارآفرینی، ارزشیابی میزان تغییر نگرش دانشجویان، توجه به اصلاح فرایندها و شیوه‌های مورد عمل در جریان آموزش‌ها، ایجاد نگرش مثبت نسبت به ارزشیابی نتایج عملکرد حاصل از اجرای آموزش‌ها و بر اساس مولفه مهارت شامل ارزشیابی بر اساس انجام پروژه‌های فردی و گروهی، ارزیابی قابلیت‌های فردی با تاکید بر خودارزیابی برای تعیین پتانسیل کارآفرینی، تصمیم‌گیری درباره ارتقاء یافتن دانشجو در درس‌ها ذکر شده است. این مباحث با نتایج پژوهش‌های پوزر^۱، هرمان^۲، هابدین^۳ و ژانگ^۴ همسو است. آنها نیز معتقدند، ارزیابی کیفیت، یک مولفه اساسی آموزش است که به مریدان این امکان را می‌دهد تا از یادگیری شاگردان حمایت کرده و برنامه‌های آموزشی را بهبود بخشند، برنامه‌های درسی ابتدا باید درک دانش عمومی در رابطه با مفهوم کارآفرینی را در دانشجویان ایجاد نماید و سپس به تقویت دانش کاربردی یا پرورش کارآفرینی در آنها بپردازند.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادی اجرایی زیر توصیه می‌گردد.

ارزشیابی از برنامه درسی کاری ضروری و مستمر محسوب گردد و نتایج ارزشیابی‌ها بکار بسته شود. پیگیری اجرای برنامه مصوب و در عین حال نظارت و راهنمایی بر کار مجریان همچنین تدوین یک برنامه مشخص، مدون و قانونمند برای انجام ارزشیابی برنامه درسی و استفاده از نظر متخصصان داخل و خارج دانشگاه برای انجام ارزشیابی می‌تواند در بهبود پیامدهای برنامه موثر باشد.

پیشنهاد دیگر بر اساس نتایج پژوهش حاضر، فرآیند تعیین، تهیه و فراهم آوردن داده‌ها و اطلاعات به وسیله اعضای هیئت علمی گروه آموزش رشته آموزش ابتدایی و مشارکت این گروه در ارزشیابی برنامه درسی می‌باشد.

¹ Purzer

² Herman

³ Habidin

⁴ Zhang

علاوه بر آن پیشنهاد می‌گردد به جای منحصر شدن ارزشیابی برنامه‌های درسی به نتایج آزمون پیشرفت تحصیلی به ایجاد پرورش روحیه کارآفرینی در دانشجویان و توجه به اهمیت شاخص انگیزه پیشرفت و مرکز کنترل درونی پرداخته شود و بر این اساس اقدامی که در تحقق این هدف می‌توان انجام داد؛ طراحی نظام سنجش و ارزشیابی صلاحیت های کارآفرینی دانشجویان می‌باشد. و در نهایت از آنجا که ذی نفعان آموزش کارآفرینی افراد با دیدگاه‌ها، علایق و توانمندی‌هایی متفاوت هستند و هر یک بر مبنای دیدگاه خود به کارآفرینی نگاه می‌کنند انتخاب شاخص مشخص که مقبولیت عمومی داشته باشد برای سنجش تاثیر آموزش کارآفرینی پیشنهاد می‌گردد.

از جمله پیشنهادهای پژوهشی تحقیق حاضر ارائه می‌گردد:

پیشنهاد می‌گردد با توجه به الگوی طراحی شده در قالب یکی از عنصر اصلی برنامه درسی که شامل روش ارزشیابی است. در پژوهش‌های بعدی به دیگر عناصر برنامه درسی از قبیل اهداف، محتوا، روش تدریس، نقش معلم، سازماندهی فضا و محیط یادگیری، زمان، ابزار و وسایل یادگیری و غیره نیز پرداخته شود.

همچنین در آینده می‌توان انتظار داشت ادغام کارآفرینی آموزشی در تمام سطوح و تمام رشته‌ها اتفاق بیفتد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- آقا محمدی، جواد (۱۳۹۶). شناسایی و اعتباریابی مولفه‌های اثرگذار بر آموزش کارآفرینی در دوره اول متوسطه (مطالعه موردی استان کردستان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. ۵۵-۸۲.
- اسمی، کرامت (۱۳۹۳). طراحی چارچوب برنامه‌درسی کارآفرینی و ارزیابی برنامه‌درسی رشته‌های کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و دبستان از منظر آن، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شیراز، پایان نامه دکتری در رشته برنامه‌ریزی درسی. ۳۵۰-۴۱۵.
- جهانبانی، فریبا (۱۳۹۴). بررسی جایگاه عناصر برنامه درسی کارآفرینانه در آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه کاشان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی (برنامه‌ریزی درسی) دانشگاه کاشان. ۳۲۱-۳۴۴.
- رحیمی، مریم؛ رضایی، بیژن و نادری، نادر (۱۳۹۶). بررسی نقش ارزشیابی در آموزش اثربخش کارآفرینی نظام آموزش عالی، دهمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و هفتمین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز. ۱۷-۳۴.
- حیدری ترازک، خدیجه (۱۳۹۲). ارزیابی دروس کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی بوعلی سینا، رازی و کردستان، دانشگاه بوعلی سینا، پایان نامه کارشناسی ارشد. ۲۱۱-۲۷۰.
- حلاج یوسفی، محمدرضا و نیکی اسفهلان، حکیمه (۱۳۹۰). کارآفرینی، معیاری نوین برای ارزشیابی دانشگاه‌ها، اولین همایش بین‌المللی مدیریت، آینده‌نگری، کارآفرینی و صنعت در آموزش عالی، سندج. ۶۹۱-۷۱۰.
- سوختانلو، مجتبی و ایمانی احمد آباد، بابک (۱۳۹۷). تاثیر مولفه‌های آموزش عالی کشاورزی بر بروز ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین حسابداری و مدیریت هزاره سوم. ۱۲-۳۴.
- شریف زاده، محمد شریف و عبدالله زاده، غلامحسین (۱۳۹۳). تدوین نشانگرهای کارآفرینی دانشگاهی در آموزش عالی کشاورزی، توسعه کارآفرینی، دوره ۷، شماره ۲. ۲۶۷-۲۸۷.
- عسگری، فاطمه سادات (۱۳۹۱). عوامل موثر بر ارتقاء کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، دانشکده مدیریت و حسابداری. ۴۴-۴۸.
- مرادی پردنجانی، حجت‌الله و جعفری، پروش (۱۳۹۲). ارزیابی اثربخشی برنامه درسی کارآفرینی دانشگاه آزاد اسلامی، دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۴، شماره ۷. ۱۳۹-۱۶۱.

- Alghamdi, Azala M (2020). *Transforming into Entrepreneurial Universities: EU-OECD as a Framework for Saudi Universities*, *Journal of Educational Leadership and Policy Studies (JELPS) Volume 4 Issue 1*. 121-1128
- Abdelkarim . Abbas(2019). *Toward Establishing Entrepreneurshi Education& Training Programmes in a Multinational Arab University*.Published by Redfame Publishing .Vol. 7, No 1. 24-37
- Alachi, Omada v (2017). *Creative and functional curriculum: Entrepreneurship education as a panacea to comatose economy.*, *International Journal of Academia*, Volume 4 No.1. 38-44
- Handayati, Puji .,Wulandari, Dwi., Eko Soetjipto, Budi., Wibowo, Agus & Shandy Narmaditya, Bagus (2020). *Does entrepreneurship education promote vocational students'entrepreneurial mindset? Heliyon* ,16 November 2020,Volume 6, Issue 11. 232-242
- Herman, E. (2019). *Entrepreneurial Intention among Engineering Students and Its Main Determinants*. *Procedia Manufacturing*, 32, 318-324.
- Habidin, N. F., Salleh, M. I., Latip, N. A. M., Jusoh, O., Azman, M. N. A., Fuzi, N. M., & Ong, S. Y. Y. (2016). *Kids entrepreneurship for learning and assessment systems (KELAS) for early childhood institution: critical success factor Analysis and decision making systems*. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 6(9), 2222-6990 .
- Kazakeviciute, Agne., Urbon, Renata & Petraite, Monika(2016). *Curriculum development for technology-based entrepreneurship education: A cross-disciplinary and cross-cultural approach*, *Industry and Higher Education*, vol. 30, 3: pp. 202-214.
- Leunbach, Daniel(2021). *Entrepreneurship as a family resemblance concept: A Wittgensteinian approach to the problem of defining entrepreneurship*, *Scandinavian Journal of Management*, Volume 37, Issue 1.
- Mozahem, Najib A & Adlouni, Rasha O (2021). *Using Entrepreneurial Self-Efficacy as an Indirect Measure of Entrepreneurial Education*,*The International Journal of Management Education*, Volume 19, Issue 1.42-74

- Nasrullah, Shazia, Saqib Khan, Muhammad & Khan, Irfanullah(2016). *The Entrepreneurship Education and Academic Performance, Journal of Education and Practice, Vol.7, No.1. 23-43*
- Purusottama, Ambara & Trilaksono, Teddy(2019). *The presence and persistence of entrepreneurship education in Indonesia: a cross sectional study, International Journal of Evaluation and Research in Education (IJERE), Vol. 8, No. 1. 241-244*
- Purzer, S., Fila, N., & Nataraja, K. (2016). *Evaluation of Current Assessment Methods in Engineering Entrepreneurship Education. Advances in Engineering Education, 5(1), n1.88-112*
- Purzer, Seny(2016). *Nataraga KavinRuiEvaluation Of Current Assessment Methods In Engineering Entrepreneurship Education, Advances in Engineering Education, WINTER 2016.1-8*
- Solís, María de LourdesCárcam ., López, María del Pilar Arroyo ., Castañón, Lorena del Carmen Alvarez & López, Elvia García(2017). *Developing entrepreneurship in primary schools. The Mexican experience of "My first enterprise: Entrepreneurship by playing", Teaching and Teacher Education, Volume 64, May 2017, Pages 291-304.*
- Teresa Tiagoa, Sandra Fariaa, João Pedro Coutoa & Flávio Tiagoa. (2015) *Fostering innovation by promoting entrepreneurship: from education to intention. International Conference on Strategic Innovative Marketing, IC-SIM 2014, September 1-4, 2014, Madrid, Spain . Procedia - Social and Behavioral Sciences 175 (2015) 154 – 161*
- Wei Dong, Qing., Min Wang, Shu., Jie Han, Fan & Dan Zhang, Rui(2019). *Innovative Research and Practice of Teachers' Teaching Quality Evaluation under the Guidance of 'Innovation and Entrepreneurship'Procedia Computer Science .Volume 154,Pages 770-776.*
- Venesaar, Urve, Ling, Hannes & Voolaid, Karen(2013). *Evaluation of the Entrepreneurship Education Programme in University: A New Approach, The Knowledge Based Economy: Implications for Higher Education in Economics and Business, Vol. XIII . No. 30 . 321-343*
- Webster, Rustin D & Kopp, Richard (2017). *Case Study Of A Small Scale Polytechnic Entrepreneurship Capstone Course Sequence, American Journal of Engineering Education, Volume 8, Number 1.427-431*
- Zhang, M. (2014). *Study on Enterprise Education System for Undergraduates in Universities. Higher Education Studies, 4(6), 58-61.*